

گونه‌شناسی منابع علوم و فنون قرائات در حوزه حصر، اصول و فرش قرائات*

محمد امینی تهرانی**

چکیده

حصر قرائات از مهم‌ترین فعالیت‌هایی است که تحوّل عظیم در تاریخ دانش قرائت پدید آورد. رشد دانش قرائت و تحلیل اصول و انواع قرائات از قرن چهارم به بعد، متأثر از این فعالیت به شمار می‌رود. موضوع نوشتار حاضر گونه‌شناسی منابع حصر و گونه‌شناسی منابع اصول و انواع قرائات است. از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش آن است که مهم‌ترین منابع مرتبط با حصر مربوط به قرائات سبعة و قرائات عشرة است. دانشمندان اسلامی با دیدگاه‌های مختلفی به حوزه حصر و اصول و انواع قرائات نگاه کرده‌اند و دیدگاه‌های نقلی صرف درباره قرائات، جای خود را به دیدگاه‌های تحلیلی و اجتهادی داده است. از ویژگی تألیفات معاصر، توجه به مباحث درجه دوم دانش قرائت مانند ارتباط قرائت با علوم اسلامی و تاریخ دانش قرائت است.

واژگان کلیدی: قرآن، حصر قرائات، اصول قرائات، فرش الحروف، گونه‌شناسی، منابع، قرائات سبعة، قرائات عشرة، قرائات اربعة عشرة

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۱۳ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۵/۱۵.

** عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه: Amini63@chmail.ir

مقدمه

موضوع حصر قرائات از موضوعات مهم در حوزه تاریخ دانش قرائت به شمار می‌رود. حصر قرائات یکی از تأثیرگذارترین رویدادها در ادوار دانش قرائت است. در این بین، نام ابن مجاهد بیش از همه دانشمندان علوم قرآنی به چشم می‌خورد. دانشمندان بزرگ دیگری نیز در باره حصر قرائات اقداماتی را در طول قرون متمادی انجام داده‌اند. برخی از نویسندگان صرفاً به بیان قرائات هفت‌گانه و تفاوت‌های آنان پرداخته‌اند. برخی دیگر، به تفردات يك قرائت از بقیه قرائت‌ها توجه کرده‌اند. از سوی دیگر، کسانی هم به بیان اصول این قرائات پرداخته‌اند. بررسی تطبیقی قرائات نیز از نظر برخی دیگر دور نمانده است. گاهی نیز ملاحظه می‌شود که تعداد قرائات از هفت به ده، چهارده یا بیشتر افزایش یافته است (ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، ۱۴۳۴: ۵۱-۱۴۸). بررسی این موضوع و اقسام منابعی که در این باره به رشته تحریر در آمده، می‌تواند دیدی جامع نسبت به این موضوع ایجاد کند و زاویه جدیدی از فعالیت در این عرصه را روشن نماید.

به نظر می‌رسد عدم بررسی منابع مختلف در حوزه حصر قرائات، باعث پیدایش برخی از تعصبات و نقض و ابرام‌های بی‌مورد نسبت به کار ابن مجاهد و امثال وی شده است. در نوشتار حاضر سیر تدوین گونه‌شناسی منابع در حوزه حصر بر اساس ترتیب عدد محصور در کتب تألیف شده می‌باشد. ذیل هر عنوان برخی از منابع مهم به شکل مفصل‌تری مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه، لیستی از مهم‌ترین تألیفات ذیل هر موضوع ارائه شده است.

مفهوم‌شناسی

۱. قاری

این اصطلاح در دانش قرائت کاربردهای متعددی دارد. قاریانی که قرآن را از پیامبر اکرم ﷺ فراگرفته و از جانب وی به شهرهای مختلف گسیل شدند، صحابه دانشمند و حافظ قرآن کریم، ائمه هفت‌گانه، ده‌گانه یا چهارده‌گانه قرائات هستند که قرائات مشهور یا شاذ به آنان منسوب است؛ یعنی نافع، ابن کثیر، أبو عمرو، ابن عامر، عاصم، حمزة، الکسانی، أبو جعفر، یعقوب، خلف، ابن محیسن، ابن شنبوذ، اعمش و حسن بصری، که بر هر یک از آنها قاری اطلاق می‌شود. هر کسی که قرآن را حفظ کند و آن را به نیکویی تلاوت نماید نیز معنای دیگر قاری است (جرمی، معجم علوم القرآن، ۱۴۲۲).

برخی از نویسندگان مراد از قاری را هنرمندی می‌دانند که قرآن را در عین درست خوانی و رعایت قواعد وقف و ابتدا، تجوید، ترتیل، علم قرائت و احیاناً تغنی و موسیقی، به شیوه‌ای دلنشین و هنری ارائه نماید (خرم‌شاهی، دانشنامه قرآن کریم، ۱۳۸۹: ۲/۱۶۱۸).

۲. حصر قرائات

حصر در لغت به معنای محدود و مضیق کردن چیزی به کار می‌رود (فراهیدی، العین، ۱۴۰۹: ۱۱۳/۳). حصر قرائات‌ها یعنی محدود نمودن قرائت‌های مختلف و متنوع در هفت یا ده قرائت؛ به عبارت دیگر، گزینش تعدادی از قرائت‌های معروف و مشهور و معرفی آنها به نام قرائت‌های برتر را حصر قرائات می‌گویند. حصر قرائات در هفت قاری در اوایل سده چهارم به وقوع پیوست (جواهری، پرسمان علوم قرآنی، ۱۳۸۵: ۹۲).

۳. اصول قرائات

اصل در لغت به معنای ریشه، قانون و قاعده کلی مشتمل بر مصادیق بسیار و اساس یک شیء به کار رفته است (جوهری، الصحاح، ۱۳۷۶: ۴/۱۶۲۳). قواعد کلی قرائت هر یک از قراء را «اصول القاری» گویند و این اصول تحت ضابطه و به صورت قاعده در کتب تجوید و قرائت بیان شده است (خرم‌شاهی، دانشنامه قرآن پژوهی، ۱۳۸۹: ۲/۱۵۵۶). اصول قرائت عبارت است از: تسمیه، بسمله، مدّ، لین، مَطّ، قصر، اعتبار، تمکین، اشباع، ادغام، اظهار، بیان، اخفاء، قلب، تسهیل، تخفیف، تشدید، تثقیل، تسمیم، نقل، تحقیق، فتح، فغر، ارسال، اماله، بطح، اضجاع، تغلیظ، ترقیق، روم، اشمام و اختلاس (ابن جزری، در آمدی بر علم تجوید، ۱۳۷۶: ۴۶).

۴. فرش الحروف

فرش در لغت به معنای پهن کردن و بسط دادن چیزی است (فراهیدی، العین، ۱۴۰۹: ۶/۲۵۵) و در اصطلاح دانش قرائت به معنای منتشر شدن قرائت هر قاری در کلمات قرآن کریم است؛ به عبارت دیگر، علمای قرائت در مورد کلماتی از قرائات مختلف قراء که در سوره‌ها پراکنده است و تحت ضابطه خاص و معینی قرار نمی‌گیرد، به عنوان فرش الحروف بحث نموده‌اند (خرم‌شاهی، دانشنامه قرآن پژوهی، ۱۳۸۹: ۲/۱۵۵۶).

۵. قراء سبعه

در طبقه‌بندی قراء، تابعین طبقه دوم به شمار می‌روند. دانش‌آموختگان از اینان که طبقه سوم قاریان را تشکیل می‌دهند و حدود نیمه اول قرن دوم می‌زیستند، شهرتی بیشتر کسب کردند و بعد با اندکی تغییر در نفرات به قراء سبعه معروف شدند که هر کدام دو راوی مشهور دارند. عبد الله بن کثیر مکی (۱۲۰ق) قاری مکه، نافع بن عبد الرحمن (۱۵۹ق) قاری مدینه، عاصم کوفی (حدود ۱۲۸ق)، حمزة بن حبيب کوفی (۱۵۶ق)، علی بن حمزه کسائی کوفی (۱۸۹ق)، ابو عمرو بن علاء بصری (۱۵۴ق) و عبد الله بن عامر دمشقی (۱۱۸ق) قاری شام قراء سبعه هستند (رکنی یزدی، آشنایی با علوم قرآنی، ۱۳۷۹: ۴۳).

۶. قراء عشره

متأخرین از سه تن دیگر یاد می‌کنند که اهمیتی به امر قرائت قرآن داشتند به نام‌های خلف بن هشام بغدادی (۲۲۹ق) یعقوب حضرمی (۲۰۵ق) و ابو جعفر یزید مخزومی (۱۳۰ق) که قاری بغداد و بصره و مدینه بودند و هر کدام دو راوی داشتند. این سه تن با قراء سبعه، قراء ده‌گانه را تشکیل می‌دهند. سند قرائت این ده قاری از طریق شاگردان تابعین به ایشان و از آن طریق به اصحاب و سپس به پیامبر اکرم ﷺ می‌رسد (همان، ۴۴).

۷. قراء اربعه عشره

علاوه بر قاریان ده‌گانه‌ای که نام برده شد، چهار قاری دیگر هستند که از سوی برخی محققان به تعداد قاریان ده‌گانه اضافه شده‌اند و به عنوان قاریان چهارده‌گانه معرفی گردیده‌اند. این چهار قاری حسن بن یسار بصری (۱۱۰ق) قاری بصره، محمد بن عبد الرحمن (۱۲۳ق) قاری مکه، یحیی بن مبارک یزیدی (۲۰۲ق) قاری بصره و سلیمان بن مهران اسدی أعمش (۱۴۸ق) قاری کوفه هستند (معرفت، تاریخ قرآن، ۱۳۸۲: ۱۴۹).

۱۴۰- تقسیم‌بندی اول: تقسیم منابع حوزه حصر و انواع قرائات بر اساس تعداد قرائات مورد پذیرش

۱- تفرید

مراد از تفرید آن است که مستقلاً کتابی درباره يك قرائت تدوین شود (فضلی، القرائات القرآنیه، ۱۳۸۸: ۶۵، مفلح القضاة، شکری و منصور، مقدمات فی علم القرائات، ۱۴۲۲: ۶۰). برخی از محققان برآنند که علت تفرید آن است که به مخاطبان فهمانده شود که فقط

قرائات سبعة حجت نیست و قرائات دیگر نیز مقبول است (همان). البته به نظر می‌رسد این نظر درباره برخی از مفرده‌هایی که بعد از ابن مجاهد نوشته شده، درست باشد، اما باید دانست که قبل از ابن مجاهد نیز مفرده‌های زیادی به نگارش در آمده است. ابن جزری در این زمینه می‌نویسد: «من نیز به جهت برطرف ساختن همین شبهه به تألیف و تدوین قرائات روی آوردم و در آثار خود دست‌اندر کار تثمین، تعشیر یا تفرید قرائات شدم» (ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، بی تا: ۱/ ۴۳).

برخی از منابعی که می‌توان در این زمینه بدان‌ها اشاره کرد، عبارت است از:

- ۱- مفرده یعقوب از عبدالباری سعیدی (۶۵۰ ق) (فضلی، القرائات القرآنیة، ۱۳۸۸: ۶۵)؛
- ۲- مفرده حمزه از أبوعلی حسن بن علی بن إبراهیم بن یزید بن هرمرز معروف به ابن شاهویه اهوازی (ابن شاهویه الأهوازی، الوجیز، ۲۰۰۲: ۳۵)؛
- ۳- مفرده ابی عمر از ابن شاهویه اهوازی (همان، ۳۶)؛
- ۴- مفرده کسایی از ابن شاهویه اهوازی (همان)؛

۲- قرائات ثلاث

مراد از قرائات ثلاث قرائاتی است که متمم قرائات سبع بوده، به همراه آنان، قرائات عشره را تشکیل می‌دهند. نوشتن کتاب‌های مرتبط با قرائات ثلاث در میان علمای قرائات سابقه‌ای دیرینه دارد. یکی از کتاب‌هایی که در این زمینه به نگارش در آمده است کتاب «التذکره فی القرائات الثلاث المتواترة و توجیها من طریق الدرة» از محمد سالم محیصن از دانشمندان معاصر کشور مصر می‌باشد. این کتاب بر اساس ترتیب سوره به تبیین فرش الحروف قرائات ثلاث پرداخته است (محیصن، التذکره فی القرائات الثلاث المتواترة و توجیها من طریق الدرة، ۱۹۷۸: ۲/ ۳۹۴). مراد از سه قاری که در این اثر به بیان قرائات آنان اقدام شده، سه قاری متمم قراء سبعة یعنی ابوجعفر، یعقوب و خلف العاشر هستند.

- ۱۴۱ ابن جزری (۸۳۳ ق) از دانشمندان بزرگ قرائات، اثری گرانقدر با عنوان «الدرة المضية فی القراءات الثلاث» را تألیف کرده است. وی در این اثر مباحث مرتبط با سه قرائت مذکور را به نظم در آورده است (جرمی، معجم علوم القرآن، ۱۴۲۲: ۱۴۹).

کتاب‌های دیگری نیز در این زمینه تألیف شده است که برخی از مهم‌ترین آنها بر اساس ترتیب زمانی به قرار ذیل است:

۱- «رسالة في القراءات الثلاث» از فلانسی محمد بن حسین ابن بندار واسطی (۵۲۱ ق). وی از دانشمندان خبره در امر قرائات به شمار می‌رود. وی درباره قرائات ست و قرائات عشر نیز کتاب‌هایی را تألیف کرده است.

۲- «خلاصة الأبحاث في شرح نهج القراءات الثلاث»، این اثر «شرح نهج الدمانة في القراءات الثلاث» جعبری است (زرکشی، البرهان في علوم القرآن، ۱۴۱۰: ۱/ ۴۵۷).

۳- «التتمة في قراءات الثلاثة الأئمة» اثر صدقة بن سلامة بن حسن مسحرانی (۸۲۵ ق) (همان، ۱/ ۴۲۲).

۴- «شرح الدرر المضية في قراءة الثلاثة المرضية» از محمد زبیدی مقرئ (۸۲۸ ق) (همان، ۱/ ۴۴۲، ۴۵۷).

در این زمینه کتاب‌های منظومی نیز به رشته تحریر در آمده‌اند که ممکن است برای محققان، مسئله یا موضوعی تحقیقی به شمار آیند (خیمی، فهرس مخطوطات دار الکتب الظاهرية، ۱۴۰۳: ۱/ ۴۷۹).

۳- قرائات اربعة

مراد از قرائات اربعة، چهار قرائتی است که اصطلاحاً قرائات شاذ نامیده شده و به قرائات عشره اضافه شده‌اند. این قرائات شامل قرائت ابن محیصن، حسن بصری، اعمش و یزدی می‌باشد. از جمله کتبی که در زمینه قرائات اربعة زانده بر قرائات عشر، تألیف شده، می‌توان به «مقدمة في مذاهب القراء الأربعة الزائدة على العشرة» از سلطان بن أحمد مزاحی (۱۰۷۵ ق) اشاره کرد (زرکشی، البرهان في علوم القرآن، ۱۴۱۰: ۱/ ۴۵۷).

در این باره اثر منظوم نیز به رشته تحریر در آمده است که می‌توان به کتاب «الفوائد المعتبرة في القراءات الأربعة الزائدة على العشرة»، از متولی (۱۳۱۳ ق) اشاره داشت (مفلح القضاء، شکری و منصور، مقدمات في علم القرائات، ۱۴۲۲: ۷۶).

۴- قرائات خمسة (تخمیس)

مراد از قرائات خمس قرائات شهرهای معروف، مکه، مدینه، بصره، کوفه و شام است. برخی از نویسندگان از هر شهری از شهرهای مرکزی و اصلی در قرائات، يك قاری را انتخاب کرده و به عنوان قاریان پنج‌گانه به شرح و تبیین قرائت آنان پرداخته‌اند. از جمله این افراد می‌توان به أحمد بن جبیر بن محمد کوفی (۲۵۸ ق) اشاره کرد. وی از قاریان بزرگ است و قرائت را از کسانی فرا گرفت (نویری، شرح طبیبه النشر في القرائات، ۱۴۲۴: ۱/ ۱۱).

۵- قرائات ست (تسديس)

بسیاری از کسانی که درباره قرائات ست کتاب نوشته‌اند، قرائت کسانی را از قرائت سبعة حذف کرده‌اند. علت این امر آن است که کسانی از شاگردان حمزه به شمار می‌آمد و روا نیست که استاد و شاگرد در يك ردیف قرار گیرند.

طبق برخی دیگر از نوشته‌ها مراد از قراء ست، قراء شاذ به اضافه یعقوب و خلف از قراء عشره است. پس قراء سته عبارت‌اند از: یزید بن قعقاع، ابن محیصن، حسن بصری، یعقوب و أعمش و خلف (ابن عثمان، سراج القارئ المبتدی و تذکار المقرئ المنتهی، ۱۴۲۵: ۱۸).

از جمله کتبی که به قرائات ست پرداخته‌اند می‌توان به کتاب‌هایی همچون «الستة المأثورة للشافعی» از رشع بن نظیف بن ما شاء الله دمشقی (۴۴۴ ق) و کتاب «کفایة المبتدی و تذکرة المنتهی فی القراءات الست» از أبو محمد عبدالله بن علی البغدادی معروف به سبط الخياط (۵۴۱ ق) اشاره کرد (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۰: ۱/ ۴۵۹).

تبیین چند اصطلاح

در این قسمت لازم است تا به معنای اصطلاحی چند اصطلاح که در میان کتب قرائات و عناوین آنان متداول است، اشاره شود. در عناوین کتب مرتبط با قرائات دو اصطلاح «مبتدی» و «منتهی» زیاد به چشم می‌خورد که هر کدام معنای خاصی دارد. مراد از مبتدی کسی است که حداقل سه قرائت بداند و مراد از قاری متوسط، کسی است که بیش از سه قرائت یعنی چهار یا پنج قرائت را بداند (دمیاطی، اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الأربعة عشر، ۱۴۲۲: ۷) و قاری منتهی به کسی گفته می‌شود که ده قرائت را بداند (ابن اسماعیل، إبراز المعانی من حرز الأمانی فی القراءات السبع، بی‌تا: ۱۳).

۶- قرائات سبع (تسبیع)

اولین حصر به لحاظ زمانی، در حوزه قرائات، متعلق به ابن مجاهد ابوبکر احمد بن موسی بن عباس (۲۴۵-۳۲۴ ق.) از دانشمندان قرن چهارم است (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۳۸۶: ۲/ ۲۳۱).

قرائت قرآن در قرن دوم با ظهور قاریانی ممتاز و برجسته به اوج شکوفایی خود رسید. از اواخر همین قرن به دلیل گسترده‌گی قرائت، ثبت و ضبط قواعد و اصول مربوط به قرائات و نیز ثبت اختلافات مربوط به قرائت قاریان، کتاب‌های متعددی در این زمینه نوشته شد. این فعالیت در قرن سوم نیز ادامه یافت، اما با گذشت زمان، بنا به هر هدف و انگیزه‌ای، کثرت و تنوع اختلافات به حدّ بی‌سابقه‌ای آشکار شد (آراسته، درسنامه علوم قرآنی، ۱۳۸۰: ۲۷۶).

در این هنگام برخی از بزرگان به تدوین و ضبط قراءات اقدام نمودند و بنا به نقل برخی از مورخان، نخستین پیشوای معتبری که قراءات را در يك كتاب جمع نمود، ابو عبید قاسم بن سلام (۲۲۴ ق) بود که قاریان را ۲۵ نفر قرار داد. پس از او احمد بن حنبل بن محمد کوفی (۲۵۸ ق) مقیم انطاکیه کتابی در قراءات پنج گانه جمع آوری کرد و از هر شهری يك نفر را معرفی نمود. نفر سوم قاضی اسماعیل بن اسحاق مالکی (۲۸۱ ق) بود که کتابی درباره قراءات تألیف کرد و در آن قرائت بیست نفر را جمع نمود که مشتمل بر قرائت هفت قاری مشهور نیز بود.

محمد بن جریر طبری (۳۱۰ ق) نیز کتابی به نام جامع تألیف نمود و در آن بیش از بیست قرائت را جمع کرد. اختلاف قرائت‌ها در میان عموم مردم، نوعی نگرانی به وجود آورده بود. در آغاز قرن چهارم آنچه مردم انتظارش را می‌کشیدند، واقع شد و در عالم قراءات، انقلابی به وجود آمد. ابن مجاهد از هر شهر، کسی را برگزید که مردم آن دیار بر رجحان قرائت او متفق بودند، ولی در مورد کوفه از این ضابطه خارج شده و به رغم اینکه تصریح کرده، قرائت غالب در کوفه، قرائت حمزه بوده است، عاصم و کسائی را نیز در کنار او آورده است. موضع گیری ابن مجاهد در قبال ابن شنبوذ - که قرائت بر خلاف مصحف را مجاز می‌شمرد - و ابن مقسم - که هر قرائتی را که از نظر عربیت صحیح می‌نمود، هر چند سند روایت آن ضعیف بود، جایز می‌دانست - نشان از آن دارد که ابن مجاهد مخالف مصحف و ضعف سند را از عوامل شذوذ قرائت می‌دانسته و در کتاب «السبعة» نیز بارها به عامل سوم، یعنی مخالفت با عربیت اشاره کرده است (آراسته، درسنامه علوم قرآنی، ۱۳۸۰: ۲۷۸).

به دنبال فعالیت ابن مجاهد، آثار زیادی از سوی دانشمندان علم قراءات درباره قراءات سبعة تألیف گردید. برخی از این آثار به قرار ذیل است:

- ۱- «التیسیر فی القراءات السبع» از ابو عمر عثمان بن سعید دانی (۴۴۴ ق)؛
- ۲- «السبعة بعلمها الكبير یا القراءات بعلمها» از نقاش محمد بن حسن (۳۵۱ ق)؛
- ۳- «البدیع فی القراءات السبع و الحجة فی القراءات السبع» یا «الحجة و الانتصار فی علل القراءات لأهل الأمصار» از ابن خالویه حسین بن احمد بن حمدان (۳۷۰ ق)؛
- ۴- «الحجة فی علل القراءات السبع» از ابو علی فارسی حسن بن احمد (۳۷۷ ق)؛
- ۵- «التذكرة فی القراءات السبع» از ابوالحسین طاهر بن احمد نحوی (۳۸۰ ق)؛
- ۶- «القراءات السبع عن الأئمة السبعة»، از ابن حسن بن عبدالله بن حسین (۳۸۶ ق)؛
- ۷- «التیسیر فی القراءات السبع» از ابو عمرو دانی عثمان بن سعید (۴۴۴ ق)؛

- ۸- «المفتاح فی اختلاف القراء السبعة» از قرطبی عبد الوهاب بن محمد مالکی (۴۶۱ق)؛
- ۹- «التذکره فی القراءات السبع عن القراء السبعة المشهورین» از ابوالحکم عاصی بن خلف بن محرز مقرئ (۴۷۰ ق)؛
- ۱۰- «المقنع فی القراءات السبع» از ابو جعفر احمد بن خلف بن محرز (۵۱۶ق)؛
- ۱۱- «التجريد فی القراءات یا التجريد لبغیة المريد فی القراءات السبع» از ابن فحام عبدالرحمن بن عتیق بن خلف ابوالقاسم صفلی (۵۱۶ ق)؛
- ۱۲- «الشمس المنيرة فی القراءات السبعة الشهيرة» از حسین بن محمد بکری دباس (۵۲۴ق)؛
- ۱۳- «التقريب والإشعار فی مذاهب القراء السبعة أئمة الأمصار رحمهم الله» از شعيب بن عيسى بن علی أشجعی مقرئ (۵۳۸ ق)؛
- ۱۴- «الإقناع فی القراءات السبع» از ابوجعفر ابن باذش احمد بن علی بن احمد أنصاری (۵۴۰ ق). ابن جزری، این کتاب را در نوع خود بهترین دانسته است (ابن جزری، غایة النهاية، بی تا: ۸۳/۱). این کتاب خطی است و در دارالکتب المصریه به شماره ۱۹۶۶ ب نگهداری می شود (مکه، مرکز البحث العلمی و إحياء التراث، ۱۷).
- ۱۵- «التقريب فی القراءات السبع» از ابوالعباس مسیلی احمد بن محمد بن سعید (۵۴۰ق)؛
- ۱۶- «الإيجاز فی القراءات السبع» از ابومحمد سبط خیاط عبد الله بن علی بغدادی (۵۴۱ ق)؛
- ۱۷- «الكشف عن نكت المعانی و الإعراب و علل القراءات المروية عن الأئمة السبعة یا الجامع النحوی» از ابوالحسن باقولی علی بن حسین اصفهانی (۵۴۳ ق)؛
- ۱۸- «البهجة فی القراءات السبع» از أبوطالب هراس هبة الله بن یحیی بن محمد أبو طالب (۵۸۰ ق) (ابن جزری، غایة النهاية، بی تا: ۳۵۳/۲؛ زرکشی، ۱۴۱۰: ۴۳۸/۱)؛
- ۱۹- «السبعة فی القراءات» از عبد الرحمن بن جوزی (۵۹۷ ق) (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۰: ۴۳۹/۱).

درباره فعالیت ابن مجاهد و تسیعی که توسط وی درباره قرائات صورت گرفت، عکس العمل های موافق و مخالف زیادی به وجود آمد. بحث درباره اینکه دلیل اصلی ابن مجاهد چه بوده است و اینکه چرا عمل وی با شهرت و اقبال زیادی مواجه گردید، از بحث های

مهم و اختلاف برانگیز تاریخ قرائات است. این موضوع در کتب متعددی پیگیری شده است (عظیم‌زاده، رضی و پویازاده، نگرشی نوین بر تاریخ و علوم قرآنی، ۱۳۸۰: ۱۱۷) و توجه به آن از حوصله نوشتار حاضر خارج است.

۷- قرائات ثمان (تثمین)

قرائات ثمان در بسیاری از کتب جمع میان قراء سبعة و قرائات یعقوب خضرمی مطرح شده است. از اولین کتاب‌هایی که در این باره نوشته شده، می‌توان به کتاب «التذکرة فی القرائات الثمان» از ابو الحسن طاهر ابن عبدالمنعم بن غلبون المقرئ الحلبي (۳۹۹ق) اشاره کرد. این کتاب زیر نظر ایمن رشدی سوید، توسط محمود محمد طناحی و عبد الفتاح اسماعیل شلبی در دانشگاه ام القرای مکه مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است (طناحی، شلبی، التذکرة فی القرائات الثمان، ۱۴۱۰: ۷).

از کتاب‌های دیگری که در این باره به نگارش در آمده، می‌توان به کتاب‌های ذیل اشاره کرد:

۱- «البدیع فی القراءات السبع و إضافة قراءة ثامنة و هی قراءة یعقوب الخضرمی» از ابوعلی فارسی حسن بن احمد (۳۷۷ق)؛

۲- «منشأ القراءات فی القراءات الثمان» از حمصی فارس بن احمد (۴۰۱ق)؛

۳- «التلخیص فی القراءات الثمان عن القراء الثمانية المشهورین» از ابومعشر قطن عبد الکریم بن عبد الصمد، بن محمد طبری (۴۷۸ق). این کتاب توسط محمد حسن عقیل موسی در دانشگاه ام القرى به سال ۱۴۱۲ق. مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است. وی در مقدمه کتاب مقدمه‌ای مفصل آورده است و در آن به بیان اصطلاح مهم به کار رفته در کتاب و قاریان موجود در آن، پرداخته است. مکان، رتبه و ارزش ابومعشر طبری و کتابش در میان دانشمندان علم قرائات از دیگر بحث‌هایی است که در مقدمه به آن توجه شده است.

۴- «النبذ النامية فی القراءات الثمانية» از ابن بیاز یحیی بن ابراهیم اندلسی ابوالحسن (۴۹۶ق)؛

۵- «المفید فی القراءات الثمان» از محمد بن ابراهیم خضرمی یمنی ابوعبد الله (حدود ۵۶۰ق) (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱/ ۴۵۹)؛

۶- «الموضح فی القراءات الثمان» یا «الموضح فی وجوه القراءات و عللها» از شیرازی فسوی نصر بن علی بن محمد ابوعبدالله (زنده به ۵۶۵ق) (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۰: ۱/ ۴۵۹)؛

۷- المجاهیل «القراء الثمانية» از أبو الحسن علی بن مرة نقاش؛

۸- «المختار فی القراءات الثمان» از أبوبکر أحمد بن عبد الله بن إدريس (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۰: ۱/ ۴۵۹).

۸- قرائات عشر (تعشیر)

توجه به قراء عشره که اسامی آنان در بخش مفهوم شناسی گذشت، برای نخستین بار از سوی ابن مهران نیشابوری (۲۹۵-۳۸۱ق) در سه کتاب «الغایة فی القرائات»، «الشامل» و «المبسوط» جمع آوری و به رسمیت شناخته شد. کتب ابن مهران تا مدت‌ها به عنوان متن درسی در حوزه قرائات عشر تدریس می‌شد. ابن مهران سه قرائت خلف، یعقوب بن اسحاق و ابوجعفر یزید بن قعقاع را به قرائات هفتگانه ابن مجاهد افزود و نظریه او را در هم شکست (خرمشاهی، دانشنامه قرآن کریم، ۱۳۸۹: ۲/ ۱۷۳۸).

از جمله کتاب‌هایی که درباره قرائت عشر نوشته شده، کتاب «کفایة المبتدی و تذکرة المنتهی فی القراءات العشر» از ابوالعز، محمد بن حسین واسطی قلانسی، معروف به ابن بندار (۵۲۱ق) است. او در شناخت قرائت‌های مختلف آوازه‌ای بلند داشت؛ از این‌رو، از شهرها و آبادی‌های بسیاری برای تعلیم به سویش می‌شتافتند دو کتاب، «ارشاد المبتدی و تذکرة المنتهی» و «اختلاف القراء بالحجاز و الشام و العراق» نیز از وی است (مهدوی‌راد، سیر نگارش‌های علوم قرآنی، بی‌تا: ۷۳).

مهم‌ترین و ماندگارترین کتاب در میان کتاب‌های قراء عشره کتاب «النشر فی قرائات العشر» از محمد بن محمد الدمشقی معروف به ابن جزری (۸۳۳ق) است. ابن جزری می‌گوید: بعضی از کسانی که آگاهی ندارند، گفته‌اند، قرائات صحیح، منحصرأً همین قرائات قاریان هفت‌گانه است و احرف سبعة‌ای را که پیامبر ﷺ به آن اشاره فرموده، منظور قرائت این افراد است. حتی این توهّم برای بسیاری از جاهلان ایجاد شده که قرائات صحیح همان قرائاتی است که در شاطبیه و تیسیر وجود دارد و این قرائات همان‌هایی است که پیامبر، در حدیث معروف به آنها اشاره نموده است (ابن جزری، النشر فی القراءات العشر، بی‌تا: ۱/ ۳۶).

از دیگر کتاب‌های مهم درباره قرائات عشره می‌توان به کتاب‌های ذیل اشاره داشت:

۱- «القرائات العشر» از بقار حسن بن داود (۳۴۲ق)؛

۲- «شرح الغایة فی القراءات العشر وعللها» از ابوعلی فارسی حسن بن احمد (۳۷۷ق)؛

۳- «الغایة فی القراءات العشر» از ابوالحسین طاهر بن احمد نحوی (۳۸۰ق)؛

- ۴- «المنتهی فی القراءات العشر» از ابوالفضل محمد بن جعفر بن عبد الکریم خزاعی (۴۰۸ ق)؛
- ۵- «الواضح فی القراءات العشر» از ابوالحسین احمد بن رضوان بن محمد بن جالینوس (۴۲۳ ق)؛
- ۶- «القراءات العشر» از ابن شاهویه حسن بن علی (۴۴۲ ق)؛
- ۷- «المفید فی القراءات العشر» از ابونصر احمد بن سرور بغدادی (۴۴۲ ق)؛
- ۸- «التذکار فی القراءات العشر» از ابوالفتح عبد الواحد بن حسین بن شیطا بغدادی (۴۴۵ ق)؛
- ۹- «التبصرة فی قراءة الأئمة العشرة» از ابوالحسن خیاط علی بن محمد بن علی (۴۵۰ ق)؛
- ۱۰- «الجامع فی القراءات العشر» از ابوالحسین فارسی نصر بن عبد العزیز بن احمد (۴۶۱ ق)؛
- ۱۱- «الإشارة فی القراءات العشر» از ابونصر منصور بن احمد عراقی (۴۶۵ ق)؛
- ۱۲- «المهذب فی القراءات العشر» از ابومنصور محمد بن احمد بن علی خیاط (۴۹۹ ق)؛
- ۱۳- «الإيضاح فی القراءات العشر» از ابوعبدالله احمد بن أبی عمر أندرابی (۵۰۰ ق)؛
- ۱۴- «شرح الغایة فی القراءات العشر لابن مهران» از محمود بن حمزة بن نصر کرمانی (۵۰۰ ق)؛
- ۱۵- «الإيضاح فی القراءات العشر» از ابوعبدالله احمد بن أبی عمر أندرابی (۵۱۰ ق)؛
- ۱۶- «ورقات المهمة فی تمة قراءة الأئمة العشرة» از شهاب الدین احمد بن محمد بن محمد مشهور به ابن عیاش (۵۲۸ ق)؛
- ۱۷- «الموضح فی القراءات العشر یا المفتاح فی العشر» از ابو منصور محمد بن عبد الملك بن خیرون بغدادی دباس (۵۳۹ ق).
- درباره اعتبار قرائات عشره و مقایسه آن با قرائات هفتگانه سخنان متفاوتی در میان دانشمندان علوم قرآنی مطرح است. مسلماً نظر عمده دانشمندان بر قرائت‌های هفتگانه متمایل است؛ هر چند برخی از دانشمندان مانند عبدالوهاب سبکی شافعی به متواتر بودن قرائات ده‌گانه فتوا داده است. بحث مفصل در این باره و مقایسه اعتبار دو دسته قرائت و بررسی تطبیقی میان کتب مرتبط با این دو نوع از قرائت، نیازمند به رساله‌ای جداگانه است (خرمشاهی، دانشنامه قرآن کریم، ۱۳۸۹: ۲/ ۱۷۳۸).

۹- قرائات احدى عشر

مراد از قرائات یازده‌گانه قرائت نافع، ابوجعفر یزید بن قعقاع، عبدالله عامر شامی، عاصم کوفی، ابوعمر و علاء، یعقوب بصری، حمزه کوفی، کسائی، خلف و اعمش است؛ یعنی قراء عشره به اضافه اعمش را قراء یازده‌گانه نامیده‌اند.

کتاب «الروضة فی القراءات الإحدى عشرة» از ابوعلی حسن بن محمد بن ابراهیم (۴۳۸ ق) و «المبہج فی القراءات الإحدى عشرة» از ابن سوار احمد بن علی بن عبیدالله بغدادی (۴۹۶ ق) از کتابهای مطرح در این باره است.

۱۰-قراءات اثنا عشر

کتاب «المبہج فی القراءات الثمان وقراءه الاعمش و ابن محیصن و اختیار خلف و الیزیدی» از جمله محدود کتابهایی است که در کنار بررسی قراءات قاریان هشتگانه، قراءات اعمش، ابن محیصن، خلف و یزیدی را نیز بررسی کرده است. این اثر توسط ابو محمد عبدالله بن علی بن أحمد مشهور به سبط الخياط (۵۴۱ ق) نوشته شده است. این کتاب توسط وفاء عبدالله قزمار به عنوان رساله دکتری در جامعه ام القراء مکه به سال ۱۴۰۵ ق مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است (معرفه القراء، ۱/ ۴۹۵). محقق در مقدمه کتاب، به طور مفصل تاریخ دانش قراءات را بر اساس ترتیب قرون بررسی نموده است. در بخش دیگری از تحقیق خود به بررسی تاریخ علم قراءات در اندلس و مغرب زمین پرداخته و دانشمندان زیادی را معرفی نموده است (سبط الخياط، المبہج فی القراءات الثمان وقراءه الاعمش و ابن محیصن و اختیار خلف و الیزیدی، ۱۴۰۵: ۱۰-۲۰۰).

۱۱-قراءات ثلاثة عشر

برخی از کتابهای دانشمندان قرائت به قرائت‌های سیزده‌گانه پرداخته‌اند؛ از جمله این کتب می‌توان به کتابهایی مانند «الثلاثة عشرة المروية عن الثقات» از ابن قاصح نورالدین علی بن عثمان بن محمد العذری (۸۰۱ ق) و «البستان فی القراءات الثلاث عشرة» از ابن الجندی سیف الدین ابی بکر عبدالله بن آی دوغدی (۷۶۹ ق) اشاره کرد (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۰: ۱/ ۴۶۴).

۱۲-قراءات اربعة عشر

از مهم‌ترین کتاب‌ها درباره قراءات اربعة عشر کتاب «اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الاربع عشر» از احمد بن محمد دمیاطی (۱۱۱۷ ق) است. این کتاب برخی از مسائل مربوط به علم تجوید را مطرح کرده است. نویسنده در ابتدا اسامی قاریان چهارده‌گانه را همراه با طریق نقل آنان ذکر و سپس به بررسی و توضیح موضوعاتی همچون ادغام، حکم نون ساکن، مدّ و قصر و وقف بر آخر کلمه پرداخته است. وی بیشترین قسمت کتاب را به بررسی اختلاف

قرائات کلمات اختصاص داده است. وی تمام سوره‌ها را ذکر و موارد اختلافی را بیان کرده و سبب آنها را نیز شرح داده است. کتاب دارای یک مقدمه و بیست و یک باب است که فهرست مطالب آن به قرار ذیل می‌باشد: اسامی قاریان چهارده‌گانه همراه با راویان و طریق نقل آنها، استعاذه، ادغام - که شامل شش فصل است: حکم حرف ذال در کلمه «اذ»، حکم حرف دال در کلمه «قد»، حکم تاء تأنیث، حکم حرف لام در کلمه «هل» و «بل»، حکم حروف متقارب المخرج و حکم نون ساکن و تنوین - هاء کنایه، مدّ و قصر، جمع دو همزه در یک کلمه، التقای دو همزه در دو کلمه، همزه به تنهایی، نقل حرکت همزه به حرف ساکن ما قبل آن، سکت بر ساکن قبل از همزه، وقف حمزه و هشام و اعمش بر همزه، فتحه و اماله، اماله حرف الف که جزء فعل ماضی است، اماله کردن بعضی از حروف خاص، اماله هاء تأنیث، مذهب علمای تجوید پیرامون ترقیق راءها، حکم لام‌ها، وقف بر آخر کلمه، مذهب علما درباره یاءهای اضافه شده، مذهب علما درباره یاءهای زائد و بررسی اختلاف قرائات در سوره‌های قرآن (دمیاطی، اتحاف فضلاء البشر فی قرائه ائمه اربعه عشر، ۱۴۲۲: ۳).

دمیاطی معتقد بود علاوه بر ده قرائتی که ابن جزری در کتاب خود انتخاب کرده، چهار قاری دیگر نیز وجود دارند که قرائت آنان با ارزش است. چهار قاری که دمیاطی بر قاریان عشره ابن جزری افزود، ابن محیصن مکی، یزیدی بصری، حسن بصری و اعمش اسدی می‌باشند. کتاب‌های «القراءات الأربع الزائدة علی العشر» و «کتاب مقدمه فی مذاهب القراء الأربعة الزائدة علی العشرة» مزاحی سلطان بن احمد ابن سلامه (۱۰۷۵ ق) از دیگر کتاب‌های مرتبط با قرائت قاریان چهارده‌گانه می‌باشند (مهدوی‌راد، سیری در نگارش‌های علوم قرآنی، بی‌تا: ۱۸۹). از دیگر آثار در این باره می‌توان از کتاب «ایضاح الرموز و مفتاح الكنوز فی القراءات الأربع عشر» از شمس الدین قباقی محمد بن خلیل بن ابی‌بکر بن محمد (۸۴۹ ق) یاد کرد (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۰: ۱/ ۴۶۵).

۱۵۰- ۱۳- قرائات خمسہ عشر

رکن الإسلام أبو الفضل محمد بن جعفر بن عبد الکرم بن بدیل، خزاعی جرجانی از کسانی است که درباره قرائات پانزده‌گانه کتابی را به نگارش در آورده است. وی امامی حاذق و مورد اعتماد و صاحب مؤلفات زیادی شمرده شده است. کتاب وی «المنتهی فی القراءات الخمس عشرة» نامبردار است (محیصن، معجم حفاظ القرآن عبر التاريخ، ۱۴۱۲: ۲/ ۲۰۷).

از دیگر کتب در این باره به کتاب‌هایی مانند «روض الحفظ بتهذيب الألفاظ» از معدّل موسى بن حسين بن إسماعيل مصرى (حدود ۵۰۰ ق) را می‌توان اشاره کرد (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۰: ۱/ ۴۶۵).

۱۴- قرائات خمسين

مراد از قرائت‌های پنجاه‌گانه تمام قرائت‌ها اعم از متواتر و شاذ با مجموع راویان آنهاست. «الکامل فی القراءات الخمسين» از ابوالقاسم يوسف بن علی بن جباره هذلی (۴۶۵ ق) در این باره نوشته شده است (همان).

تقسیم‌بندی دوم: تقسیم بر اساس پرداختن به اصول قرائات

تقسیم‌بندی دیگری که می‌توان پیرامون منابع قرائات ارائه داد، آن است که بسیاری از منابع قرائات در ضمن پرداختن به فرش الحروف قرائات، به اصول هر قرائت نیز به شکل جداگانه اشاره داشته و آنها را نیز تبیین نموده‌اند. در مقابل، کتاب‌هایی نیز هستند که فقط به تبیین فرش الحروف قرائات در ضمن آیات قرآن کریم پرداخته‌اند. کتاب «اتحاف فضلاء البشر فی القرائات الاربعه عشر» از دمیاطی از جمله کتاب‌هایی است که قبل از بیان فرش الحروف قرائات ذیل آیات در ابتدای کتاب و پس از طرح مقدماتی درباره قرائات، به بیان اصول قرائات پرداخته است (دمیاطی، اتحاف فضلاء البشر فی القرائات الاربعه عشر، ۱۴۲۲: ۱۱).

تقسیم‌بندی سوم: بررسی قرائات بر اساس توجه به قرائات متواتر و شاذ

یک - کتب جامع قرائات

مراد از کتب جامع قرائات، کتبی است که هم به قرائات شاذ و هم به قرائات متواتر پرداخته‌اند. نمونه این‌گونه از کتب، کتبی است که به قرائات خمسين پرداخته‌اند.

دو - کتب مربوط به قرائات شاذ

از جمله کتبی که می‌توان درباره قرائت‌های شاذ نام برده کتاب‌های ذیل است:

۱. «جامع القراءات من المشهور و الشواذ و علل ذلك» از أبو جعفر محمد بن جریر طبری، (۳۱۰ ق) (بروکلمان، ۵۰/۳).

۲- «الشواذ فی القراءات» که به «القراءات الشاذة» نیز نامیده شده است. این کتاب از ابوبکر بن مجاهد التمیمی (۳۲۴ ق) است (حاجی خلیفه، کشف الظنون، ۱۴۳۶: ۲/ ۱۴۳۶).

- ۳- «شواذ القراءات» از أبو الحسن محمد بن أحمد بن أيوب بن الصلت معروف به ابن شنبوذ، (۳۲۸ق) (معجم مصنفات القرآن، ۱۰۱/۴).
- ۴- «شواذ القراءات» از ابو طاهر عبد الواحد بن عمر بن محمد بزاز (۳۴۹ق).
- ۵- «المفيد في الشاذ من القراءات» از أبو بكر محمد بن عبد الله بن أشته أصبهاني معروف ابن أشته (۳۶۰ق) (معرفة القراء، ۱/۳۲۱؛ ابن جزري، غاية النهاية، بی تا: ۱۸۴/۲).
- ۶- «مختصر في شواذ القرآن» از حسين بن أحمد بن حمدان ابن خالويه (ت ۳۷۰ق).
- ۷- «المحتسب في تبين وجوه شواذ القراءات والإيضاح عنها» که به «شرح القراءات الشاذة» و «القراءات الشاذة» نیز نامیده شده است. این کتاب از أبو الفتح عثمان بن جنى (۳۹۲ق) است.
- ۸- «التعريف بالقراءات الشواذ» از عثمان بن سعيد، أبی عمرو الدانی (۴۴۴ق).
- همچنین کتاب دیگری از ابو عمر دانی با نام «المحتوى فى القراءات الشواذ» یا «المحتوى على الشاذ من القراءات» یاد شده است (ابن جزري، غاية النهاية، بی تا: ۵۰۵/۱).
- ۹- «الإقناع فى القراءات الشاذة» از ابو على حسن بن على، اهوازى، (۴۴۶ق) (حاجى خليفه، كشف الظنون، ۱۳۶۰: ۱/۱۴۰).
- ۱۰- «الشواذ فى القراءات» از أحمد بن فضل بن محمد اصبهانى باطرقانى (۴۶۰ق).
- ۱۱- «القول الجاذ لمن قرأ بالشاذ» از ابو القاسم محمد بن محمد كمال الدين نویری است. وی امام جمعه مکه مکرمه نیز بوده است (۸۵۷ق).
- ۱۲- المحتسب فى تبين وجوه شواذ القراءات و الإيضاح یا شرح القراءات الشاذة یا القراءات الشاذة از ابن جتنى عثمان بن جتنى ابو الفتح (۳۹۲ق).

سه - کتب مربوط به قرائات متواتر

کتاب‌هایی را که در تقسیم‌بندی اول ذکر شد می‌توان در زمره این گونه کتب دانست.

تقسیم‌بندی چهارم: کتب پیرامون قرائات (کتب حول القرائات)

این گونه کتب به طور مستقیم به قرائات نپرداخته‌اند، اما درباره قرائات به شکلی کلی و از بیرون بحث کرده‌اند، شاید بتوان این گونه از کتب را کتب مرتبط با مبانی قرائات یا کتب درجه دوم و مرتبط با فلسفه دانش قرائت به شمار آورد.

یک - کتب پرسش و پاسخ درباره قرائات

کتبی که به بیان سؤالات و جواب‌های مرتبط با قرائات پرداخته‌اند، از این قبیل به شمار می‌روند. از جمله این کتب می‌توان به کتاب «الإجابات الواضحات لسؤالات القراءات» نوشته احمد محمود عبدالسمیع حفیان شافعی از دانشمندان معاصر اشاره داشت (حفیان، الإجابات الواضحات لسؤالات القراءات، ۱۴۲۳: ۶).

مؤلف در این کتاب ۲۲۹ سؤال را مطرح نموده است. وی این روش را برای بهتر فهمیدن مطالب از يك طرف و چگونه سؤال نمودن قرآن پژوهان (و دانشجویان) از طرف دیگر می‌داند و عقیده دارد که این روش باید در مراکز علمی و آموزشی و در تمام سطوح به کار گرفته شود. وی در حوزه مصطلحات دانش قرائت، کتاب «اشهر المصطلحات فی فنّ الاداء و علم القراءات» را به نگارش در آورده است که توضیح این کتاب در نوشتاری از نویسندگان در شماره‌های قبلی مجله مطالعات قرائت قرآن ارائه شده است.

دوم - کتب تاریخ قرائات

از جمله این کتب «القرائات القرآنیة» اثر استاد عبدالهادی فضلی است. این کتاب به صورت مختصر به بحث از قرائات پرداخته است و شامل هفت فصل می‌باشد. تطور و شکل‌گیری قرائات‌ها در قالب شانزده مرحله، تبیین کتب معروف درباره قرائات، سرچشمه‌ها و مصادر قرائات و اسباب رشد آنها، اختیار در قرائات و مقیاس و دلایل صحت قرائات از جمله بحث‌های این کتاب است. وی در پایان به بحث قرائات و تجوید نیز به اختصار اشاره داشته است (فضلی، تاریخ قرائات قرآن کریم، ۱۳۸۸: ۵).

ترجمه این کتاب توسط محمد باقر حجّتی در سال ۱۳۷۸ ش از سوی انتشارات اسوه به چاپ رسیده است. به عقیده مترجم کتاب، این کتاب اولین اثری است که درباره تاریخ دانش قرائات به زبان فارسی منتشر شده است (فضلی، تاریخ قرائات قرآن کریم، ۱۳۸۸: ۱۱).

کتاب «القرائات القرآنیة» نوشته عبدالعال سالم مکرم، استاد نحو در دانشگاه کویت، از مهم‌ترین و جدیدترین کتاب‌هایی است که در زمینه قرائات نوشته شده است. این کتاب نسبت به کتاب «القرائات القرآنیة» عبدالهادی فضلی دارای تحلیل‌های بیشتر و موضوعات متنوع‌تری است. از جمله بحث‌های این کتاب که آن را از کتاب عبدالهادی فضلی متفاوت ساخته، بحث مشهورترین قاریانی که قرائات شاذه به آنان نسبت داده شده، تأثیر قرائات قرآنی در پژوهش‌های نحوی، نحویان بزرگ و عالمان قرائت مانند ابوعلی فارسی، ابن خالویه، ابن جنی و فراء و شرح

حال مشهورترین مؤلفان کتاب‌های الحجه مانند مکی بن ابی طالب و ابوعلی فارسی است (خرم‌شاهی، دانشنامه قرآن کریم، ۱۳۸۹: ۲/ ۱۷۳۸).

کتاب‌های دیگری نیز در زمینه تاریخ قرائت به رشته تحریر در آمده‌اند. «القرائات القرآنیة فی بلاد الشام» اثر حسین عطوان، «علم القرائات، نشأته، اطواره، اثره فی العلوم الشرعیة» از نبیل بن محمد ابراهیم آل اسماعیل، «اعجاز القرائات القرآنیة، دراسة فی تاریخ القرائات و اتجاهات القراء» نوشته صبری الاشوح از جمله این کتب است (همان؛ ابن محمد آل اسماعیل، علم القرائات، نشأته و اطواره و اثره فی العلوم الشرعیة، ۱۴۲۱: ۱۵؛ اشوح، اعجاز القرائات القرآنیة، ۱۴۱۹: ۱۰).

سه - کتب ناظر به ارتباط قرائات با علوم دیگر

ارتباط دانش قرائات با دانش‌های دیگر نیز مدّ نظر نویسندگان علوم قرآنی خصوصاً مؤلفان دو قرن اخیر بوده است. دانش قرائت دانشی است که با دانش‌های مختلفی مانند علم الاصوات یا همان آواشناسی، تجوید، علم الرسم و علم الضبط، صوت و لحن، و احتجاج در قرائات ارتباط تنگاتنگی دارد. مطالعه مقالات قبلی که توسط نگارنده این سطور تحت عنوان «گونه‌شناسی علوم و فنون قرائات» به چاپ رسیده، نشان‌دهنده این امر (ر.ک، رضایی اصفهانی و امینی تهرانی، «گونه‌شناسی منابع علوم و فنون قرائات»، مجله مطالعات قرائت قرآن، ۱۳۹۴-۱۳۹۶: ش ۸-۴).

کتاب «القرائات و اثرها فی التفسیر و الاحکام» که توسط محمد بن عمر بن سالم نوشته شده، به بررسی ارتباط دانش قرائات با دانش‌های تفسیر قرآن و فقه اختصاص یافته است. این کتاب که در دو مجلد است، از سوی انتشارات دارالهجره در ریاض در سال ۱۴۱۷ق به چاپ رسیده است (خرم‌شاهی، دانشنامه قرآن کریم، ۱۳۸۹: ۲/ ۱۷۳۹).

محمد سالم محیصن از نویسندگان کثیر التالیف مصری نیز در حوزه قرائات، اثری با عنوان «القرائات و اثرها فی علوم العربیة» نگاشته است. در این کتاب، ارتباط دانش قرائات با مباحث مختلف ادبیات عرب مورد بررسی قرار گرفته است. ارتباط قرائات با لهجه‌های قدیم عربی، الفاظ دخیل در قرآن، جامد و مشتقات در قرائات، حذف و ذکر و فتحه‌گذاری و کسره‌گذاری «ان» مشدده و التفات وجه بلاغی آن در قرآن از موضوعات مهم کتاب هستند (همان، ۱۷۳۸/۲).

نتیجه

- ۱- مهم‌ترین منابع مربوط حصر مربوط به قرائات سبعة و قرائات عشرة است و قرائات ثمان و ست در رتبه بعدی قرار دارند.
- ۲- تحقیق حاضر نشان می‌دهد دانشمندان اسلامی با دیدگاه‌های مختلفی به حوزه حصر، اصول و انواع قرائات نگاه کرده‌اند و دیدگاه‌های نقلی صرف درباره قرائات، جای خود را به دیدگاه‌های تحلیلی و اجتهادی داده است.
- ۳- از ویژگی تألیفات معاصر، توجه به مباحث درجه دوم دانش قرائت در قرون اخیر است. نمونه این مباحث کتب مربوط به سؤال‌ها و جواب‌های مرتبط با دانش قرائت، تاریخ قرائات و تبیین ارتباط دانش قرائت با دانش‌های نزدیک به آن مانند تفسیر قرآن کریم و ادبیات است.
- ۴- کتب قرائت به لحاظ در بر داشتن قرائات دارای اعتبار به سه حوزه کتب جامع، کتب قرائات متواتر و کتب قرائات شاذه قابل تقسیم‌بندی هستند.
- ۵- برخی از کتب قبل از ورود به بحث فرش الحروف قرائات، به تبیین اصول قرائات پرداخته‌اند، اما عمده کتب قرائات، اصول قرائات را در ضمن بحث از آیات قرآن دنبال کرده‌اند.

فهرست منابع

۱. ابن اسماعيل بن ابراهيم، عبدالرحمن، إبراز المعاني من حرز الأمانى فى القراءات السبع، بيروت: دارالكتب العلمية، بى.تا.
۲. ابن جزرى، محمد بن محمد، النشر فى القراءات العشر، بيروت: دار الكتب العلمية، بى.تا.
۳. علامى، ابوالفضل و صفر سفيد رو، درآمدى بر علم تجويد، قم: حضور، ۱۳۷۶ش.
۴. ابن شاهويه اهوازى، حسن بن على بن ابراهيم، الوجيز، بيروت: دارالمغرب الاسلامى، ۲۰۰۲م.
۵. ابن عثمان، على، سراج القارئ المبتدى و تذكّار المقرئ المنتهى، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ دوم، ۱۴۲۵ق.
۶. ابن غلبون، طاهر بن عبدالمنعم، التذكرة فى القرائات الثمان، تحقيق ايمن رشدى سويد، جامعه ام القرى، مكه، ۱۴۱۰ق.
۷. ابن محمد ابراهيم آل اسماعيل، نبيل، اعجاز القرائات القرانيه، دراسة فى تاريخ القرائات واتجاهات القراء، الرياض، مكتبة التوبة، ۱۴۲۱ق.
۸. اشوح، صبرى، اعجاز القرائات القرانيه، دراسه فى تاريخ القرائات واتجاهات القراء، قاهره: مكتبة وهبه، ۱۴۱۹ق.
۹. جرمى، ابراهيم محمد، معجم علوم القرآن، دمشق: دارالقلم، ۱۴۲۲ق.
۱۰. جواهرى، سيد محمد حسن، پرسمان علوم قرآنى، قم: دفتر تبليغات اسلامى، چاپ سوم، ۱۳۸۵ش.
۱۱. جوهري، اسماعيل بن حماد، الصحاح، بيروت: دارالعلم للملايين، ۱۳۷۶ق.
۱۲. حاجى خليفه، مصطفى بن عبدالله، كشف الظنون عن اسامى الكتب والفنون، بيروت: دارالاحياء التراث العربى، ۱۳۶۰ق.
۱۳. حفيان، احمد محمود عبدالسميع شافعى، الإجابات الواضحات لسؤالات القراءات، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۲۳ق.

۱۴. خرمشاهی، بهاء‌الدین، دانشنامه قرآن پژوهی، تهران: ناهید، چاپ سوم، ۱۳۸۹ ش.
۱۵. خیمی، صلاح محمد، فهرس مخطوطات دار الکتب الظاهرية، دمشق: مجمع اللغة العربية، ۱۴۰۳ ق.
۱۶. رکنی یزدی، محمد مهدی، آشنایی با علوم قرآنی، مشهد - تهران: آستان قدس - سمت، ۱۳۷۹ ش.
۱۷. زركشى، محمد، البرهان فى علوم القرآن، بيروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۰ ق.
۱۸. دمیاطی، احمد بن محمد، اتحاف فضلاء البشر فى قراءة ائمة اربعة عشر، بيروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق.
۱۹. سبط الخياط، عبدالله بن على بن أحمد، المبهج فى القرائات الثمان وقراءه الاعمش وابن محیصن و اختیار خلف و الیزیدی، تحقیق محمد حسن قزمار، ۱۴۰۵ ق.
۲۰. شاطبی، قاسم بن فیره بن خلف، حرز الأمانی و وجه التهانى فى القرائات السبع، قاهره: مكتبة الازهر الشريف، بی تا.
۲۱. طبری، عبدالکریم بن عبدالصمد، التلخیص فى القرائات الثمان، دارسة و تحقیق: محمد حسن عقیل موسی، مکه: جامعه ام القرى، ۱۴۱۲ ق.
۲۲. عظیم‌زاده، فاتره، بی بی سادات، رضی، اعظم، پویازاده، نگرشی نوین بر تاریخ و علوم قرآنی، تهران: بنیاد قرآن، ۱۳۸۰ ش.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
۲۴. فضلی، عبدالهادی، القرائات القرآنیه، ترجمه محمد باقر حجتی، تهران: اسوه، چاپ چهارم، ۱۳۸۸ ش.
۲۵. محیصن، محمد سالم، التذکره فى القرائات الثلاث المتواتره و توجیهها من طریق الدرہ، قاره: مکتبه القاهرة، ۱۹۷۸ م.
۲۶. محیصن، محمد سالم، معجم حفاظ القرآن عبر التاريخ، بيروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ ق.
۲۷. معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، تهران: سمت، چاپ پنجم، ۱۳۸۲ ش.
۲۸. مفلح القضاة، محمد احمد، شکری احمد خالد و منصور محمد خالد، مقدمات فى علم القرائات، عمان: دارعمار، ۱۴۲۲ ق.
۲۹. مهدوی راد، محمد علی، سیری در نگارش های علوم قرآنی، تهران: هستی‌نما، بی تا.

۳۰. نویری، محمد بن محمد، شرح طیبیه النشر فی القرائات، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ چهارم، ۱۴۲۴ق.
۳۱. رضایی اصفهانی، محمد علی و محمد امینی تهرانی، گونه‌شناسی منابع علوم و فنون قرائات، مجله مطالعات قرائت قرآن، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۴-۱۳۹۷، شماره های ۴-۸.
۳۲. امینی تهرانی، گونه‌شناسی منابع علوم و فنون قرائات در حوزه علم الاصول، مجله مطالعات قرائت قرآن، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۶ش، شماره ۹.